

## بازخوانی مولفه های محیطی جرم زا در بزهکاری کودکان

منوچهر عبدالهی، محمد جواد پورحسینی

1. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

2. گروه حقوق، واحد خرم اباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم اباد، ایران

### چکیده

بعد از محیط خانواده، مدرسه و نظام آموزش و پرورش از دیگر مراجع اصلی جامعه پذیری کودک می باشد، که وی وارد آن می شود. مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودک ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد. مدرسه به عنوان یک واحد کنترل اجتماعی لزوم رعایت مقررات و اصل پاداش و کیفر را نیز به کودکان آموزش می دهد. کودک در سنین مدرسه، در شرایط حساسی است که هم می توان نشانه های اولیه اختلالات رفتاری را در وی کشف کرد، و هم قابلیت اصلاح رفتار و بازگشتن وی به مسیر رشد مطلوب در این سنین، بسیار قوی است. مدرسه برای کودکانی که عوامل متعدد خطر خانوادگی را تجربه کرده اند، می تواند به عنوان محیطی آموزنده، حمایتگر، الگو بخش و کنترل کننده عمل نموده و کاستی های خانواده را جبران نماید.<sup>1</sup> نکته مهم تمرکز مدارس به رفع نواقص و اختلالات کارکردی مدرسه به ویژه در مورد کودکان و نوجوانانی که در معرض خطر شکست تحصیلی و یا خطر ترک تحصیل قرار دارند، می باشد.<sup>2</sup>

واژه های کلیدی: مشارکت، خانواده، اطفال، پیشگیری از جرم

<sup>1</sup> محمود مهدوی، ص 455 و 456

<sup>2</sup> همان، ص 457

## مقدمه

در راستای طراحی و اجرای برنامه های پیش گیری از بزهکاری اطفال در مدارس، مشارکت دادن خانواده ها امری ضروری است. دخیل نمودن هم زمان خانواده و مدرسه، و کمک این دو نهاد در برنامه های پیش گیری از بزهکاری اطفال کودکان حائز اهمیت می باشد. بنابراین اولیای مدرسه و خانه در جهت حمایت از کودکان، خصوصاً کودکان در معرض عوامل خطر، می توانند در زمینه های مختلفی مشارکت داشته باشند که این امر مسلماً موجب اثربخشی بهتر این برنامه ها و مداخلات خواهد شد. بنابراین در این فصل طی دو مبحث به مهمترین زمینه های مشارکت خانواده و مدرسه در پیش گیری از بزهکاری اطفالی پردازیم و در فصل سوم به طور مفصل راهکارها و برنامه های مشارکتی خانواده و مدرسه را در این زمینه بیان خواهیم نمود.

مشارکت خانواده و مدرسه در زمینه شناسایی کودکان بزهکاربرقراری مشارکت میان خانواده و مدرسه در زمینه شناسایی کودکان بزهکار با شناخت چهار عنصر نیازهای کودکان، آسیب ها و خطرات تهدیدکننده آنان، عوامل بزهکاری و نهایتاً کودکان مشکل دار امکان پذیر می باشد. فلذا ما در این مبحث مختصراً به بررسی موارد مذکور می پردازیم.

## شناسایی نیازهای کودکان

محیط خانواده، محیطی است که کودک از ابتدای تولد در آن رشد و نمو می کند و اولین برخوردها و رفتارها را در خانه از والدین و سایر اعضای خانواده خود دیده و بدون شک اعمال و رفتار و عادات وی از این محیط تاثیر می پذیرد. لذا در طول دوران کودکی و نوجوانی از مهم ترین عوامل موثر در ساخت و شکل گیری شخصیت طفل و ایجاد زمینه برای نوع رفتار وی در جامعه، شرایط موجود در خانواده است. در واقع زیربنای اصلاح هر جامعه ای در خانواده شکل می گیرد. فلذا نقش خانواده زودتر از نقش مدرسه در این زمینه شروع میشود. این در حالی است که والدین طفل میتوانند حتی قبل از رسیدن طفل به سن مدرسه با پیوستن به طرح های پیشگیرانه که توسط نظام آموزشی خصوصاً مدارس ارائه میشوند، آموزش لازم را برای کشف و شناسایی نیازهای کودکان خود فراگیرند.

در فصل سوم این پایان نامه طرح آموزشی پیشنهاد میگردد که در آن امکان ارتباط اولیای طفل حتی در مرحله پیش دبستانی نیز پیش بینی شده است که در آینده راجع به طرح پیشنهادی مزبور به تفصیل سخن خواهیم گفت. ولیکن فی الحال لازم به ذکر است که شناسایی نیازهای اولیه اطفال در سنین قبل از مدرسه توسط والدین تنها از طریق آموزش شیوه های شناخت نیازهای اطفال توسط نظام آموزشی به خانواده ها هدفی دست یافتنی میباشد.

## شناسایی آسیب ها و خطرات تهدیدکننده ی اطفال

شکی نیست که استحکام خانواده موجب استحکام روحی و جسمی اعضای آن می باشد و خانواده با ایفای صحیح وظایف خود می تواند از بسیاری از انحرافات پیش گیری کند. قریب به اتفاق محققان مسائل بزهکاری کودکان و نوجوانان بر این نظر توافق دارند که منشا اصلی بسیاری از مسایل نابهنجار مربوط به کودکان و نوجوانان را باید در خانواده جستجو کرد. محققان دریافته اند آن دسته از کودکانی که مورد بی توجهی والدین خود قرار دارند یا احساس عدم انسجام خانوادگی دارند، بیش ترین احتمال را برای درگیری در اعمال بزهکارانه یا بزه های ویژه کودکی دارند. خانواده هایی که در آن فقدان صمیمیت و کمبود محبت و حمایت از کودک موج می زند و خانواده هایی که در آنها اختلاف، کشمکش، خشونت و بد رفتاری چشم گیر است، کودکان به احتمال زیاد به سوی بزهکاری و انحراف متمایل می شوند.<sup>3</sup> عصیان، پرخاشگری، گوشه نشینی و ارتکاب بزه، از مهم ترین اثرات محیط متشنج خانوادگی در دوران طفولیت و بلوغ می باشد.<sup>4</sup>

از سوی دیگر والدین شایسته ای که دارای اعتماد به نفس، مهربان و با اراده هستند، قادرند کودکان خود را حتی در نامناسب ترین محله های شهری، از خطر بزهکاری در امان بدارند.<sup>5</sup>

از دیگر عوامل خطر موثری که این محیط ممکن است داشته باشد، روابط ناموزون و قهرآمیز بین اطفال و والدین، اقدامات تنبیهی و تشویقی بی ضابطه و بی قاعده، بی اعتنایی والدین نسبت به رفتار کودک که حتی همین بی اعتنایی می تواند باعث شود که والدین پس از گذشت چندسال، فرزندان را دقیق نشناسند و همین عدم شناخت منجر به عجز و ناتوانی از اقدام مناسب در مورد طفل می شود.<sup>6</sup>

در این راستا نکته حائز اهمیت در خصوص سوءرفتار با کودکان این است که کودکانی که در معرض سوءرفتار در خانواده باشند، احتمال بیشتری دارد که از منزل فرار کنند. هرچند فرار، خود انحراف است؛ اما در غالب موارد زمینه ساز رفتارهای انحراف و بزهکاری دیگری از جمله سرقت، اعتیاد و... می باشد. از طرف دیگر غالباً به علت عدم وجود مکان امن، در دام تبهکاران و افراد خلاف کار گرفتار می شوند.

از سوی دیگر ممکن است در مدرسه نیز خطراتی وجود داشته باشد که احتمال ارتکاب جرایم را در کودکان و نوجوانان افزایش دهد. روش تدریس و رفتار نامناسب معلمان با دانش آموزان و توقعات بیجای مدرسه بدون توجه کافی به امکانات مالی دانش آموزان و خانواده های آنان، خشونت در مدرسه، غیبت های مکرر و فرار از مدرسه، افت تحصیلی و شکست های مکرر تحصیلی، زورگویی، زد و خورد و پرخاشگری و نزاع با هم کلاسی ها و بی ادبی به معلمان و اولیای مدرسه، دزدی های کوچک در مدرسه و برخی خلافکاری های دیگر نظیر تخریب، جرایم جنسی و...، ضریب هوشی پایین، مشکل عدم تمرکز و برنامه ریزی، کمبود

<sup>3</sup> قدرت اله خسروشاهی، حیدر منصوری، ص 11

<sup>4</sup> خدابخش کتولی نژاد، "نقش خانواده در پیش گیری از جرم"، پیش گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم، ص 282

<sup>5</sup> شهلا معظمی، ص 224

<sup>6</sup> علی حسین نجفی ابرندآبادی، مباحثی در علوم جنایی، ص 1281

امکانات تحصیلی، تبعیض و بی عدالتی مربیان و توبیخ و تشویق و تنبیه و تحقیر بی مورد، خصوصا در حضور سایر دانش آموزان و همچنین عدم کنترل و مراقبت در معاشرت و رفتار کودکان و نوجوانان در محیط مدرسه و در فاصله بین راه خانه و مدرسه از موثرترین این عوامل خطر در محیط مدرسه است که در انحرافات و بروز حالت خطرناک دانش آموزان نقش بسیار دارد.<sup>7</sup>

در کنار خانواده و مدرسه، همسالان گروه مهمی است که کودک در فرآیند رشد خود، با افزایش سن و رشد جسمی و فکری، هم زمان با تقویت احساس استقلال، ارتباط با آن را بر حضور در محیط خانواده، ترجیح می دهد. کودک به خصوص در سنین ورود به مدرسه، میل دارد از افراد همسن خود تقلید کند و هرچه بزرگتر می شود، حساسیت او به جلب توجه و حس تعلق داشتن به گروه خاصی از دوستان در وی افزایش می یابد. البته باید توجه داشت که صرف ارتباط با همسالان و تشکیل گروه های کوچک توسط کودکان، به معنای بزهکاری آنان نمی باشد. بلکه حتی دوستان و همسالان می توانند از عوامل پیشرفت تحصیلی و اجتماعی کودک شوند. به طور مثال، «پیازه» مهم ترین عامل را در از بین بردن خودمداری، ارتباط با همسالان می داند.<sup>8</sup>

بنابراین تشکیل گروه به خودی خود، یک معضل نمی باشد، اما ممکن است با برخی عوامل خطر دیگر، خصوصا کودکان و نوجوانانی که به لحاظ شرایط خانوادگی دچار آسیب بوده و عوامل خطر در زندگی آنان وجود دارد، منجر به بزهکاری آنان شود. به همین جهت تاثیر گذاری روابط همسالان بر رفتارهای ضداجتماعی کودکان و نوجوانان و همچنین ارتباط آنان با گروه های بزهکاری، از مسائل مهم مربوط به این بخش می باشد.

همچنین داده های آماری در بسیاری از کشورها نشان می دهند که بزهکاری عمدتا پدیده ای گروهی است. بین دو سوم تا سه چهارم تمامی بزهکاری کودکان از سوی اعضای گروه های مختلف ارتکاب می یابد. حتی کودکانی که به تنهایی مرتکب جرم می شوند، احتمالا با گروه هایی در ارتباط هستند.<sup>9</sup>

ارتباط و حضور کودک و نوجوان با همسالان خود، رابطه مستقیمی با انسجام و محبت در خانواده دارد. هرچه خانواده متزلزل بوده و در آن محبت و ارتباط عاطفی والدین و کودکان کمتر باشد و کودک از احترام و محبت کافی برخوردار نباشد، ارتباط کودک با همسالان خود بیشتر می شود. فلذا باید توجه داشته باشیم که خانواده در جهت پیش گیری از در معرض خطر قرار گرفتن کودکان و نوجوانان توسط گروه همسالان نقش بسیار مهمی دارد.

علاوه بر تمامی موارد فوق، زمینه های شخصی بزهکاری اطفال را می توان در دو دسته زمینه های زیستی (ما قبل تولد و بعد از تولد) و روانی، بررسی کرد. از جمله زمینه های خطر ما قبل تولد، عوامل ژنتیک، وضعیت جسمی و روحی مادر در دوره

<sup>7</sup> محمدعلی حاجی ده آبادی، تقریرات درس جرم شناسی، ص 32 و نفیسه متولی زاده نایینی، ص 130

<sup>8</sup> مهدی نیک خو، گلبرگ زندگی، بررسی جنبه های گوناگون رشد و تربیت کودک، چاپ دوم، قم، موسسه بوستان کتاب، 1387، ص 43

<sup>9</sup> - شهلا معظمی، ص 255

بارداری و از جمله خطر حین و پس از آن، آسیب های زایمانی، کیفیت ترشحات غدد، هورمون ها و انتقال دهنده های عصبی و نقص هوش قابل اشاره می باشند.<sup>۱۰</sup>

بنابراین همانطور گفتیم کودکان چه در خانه و مدرسه و چه در میان گروه همسالان خود، علاوه بر مسایل شخصیتی و ژنتیکی از خطرات و آسیب های دیگری نیز متاثر هستند. عوامل شخصیتی و ژنتیکی تاحدی خدادادی و بصورت اولیه غیر قابل انتخاب هستند و تأثیری که گروه همسالان بر طفل میگذارد نیز اجتناب ناپذیر بوده و نمیتوان از گروه همسالان نیز پیشگام شدن در امر پیشگیری از بزهکاری اطفال را انتظار داشت. در نتیجه نقش خانواده و مدرسه در اقدام نسبت به کنترل این زمینه ها پررنگ تر شده و توجه بیشتری را به خود جلب میکنند. بنابراین این والدین طفل و اولیای مدرسه هستند که باید دست در دست هم با حصول علم و آگاهی نسبت به اقدام مشترک در این زمینه ها به پا خیزند و بصورت منسجم و رهبری شده برای برطرف نمودن آسیب ها و خطرات احتمالی که منجر به بزهکاری اطفال میشود، عمل کنند.

### شناسایی عوامل بزهکاری

مرحله اول در پیش گیری از بزهکاری اطفال در تمامی جوامع، شناسایی علل و عوامل زمینه های بروز آن می باشد. بنابر این خانواده ها و مدارس می توانند با همکاری و مشارکت در شناسایی این عوامل، نقشی مهم در برنامه های پیش گیری از بزهکاری اطفال ایفا نمایند. خانواده از مهم ترین عوامل در وقوع بزهکاری ها می باشد. خشونت خانوادگی، کمبود محبت، کثرت کودکان، محل سکونت، اعتیاد و یا طلاق والدین، سطح درآمد و تحصیلات آنها و تبعیض از عوامل موثر بر بزهکاری فرزندان می باشد.<sup>۱۱</sup>

عواملی همچون سوءرفتار با کودک، سوءاستفاده، بی توجهی به نیازهای عاطفی و جسمانی وی، غفلت و سهل انگاری، تربیت نادرست، سطح ضعیف سواد و دانش والدین، اعتیاد و یا بزهکاری اعضای خانواده، عدم کنترل و مراقبت و نظارت والدین از کودک، عدم کفایت دارایی خانواده و مشکلات اقتصادی، طلاق و فروپاشی خانواده، سوءرفتار خانواده نسبت به کودکان و بی بندوباری و نبود تربیت دینی در خانواده، دیگر مواردی است که می تواند در این حوزه، به عنوان خطر، کودک را در معرض خطر قرار داده و تعامل این عوامل ممکن است باعث افزایش فعالیت بزهکارانه گردد.

جهل خانواده ها نسبت به مسائل تربیتی و عدم آشنایی با طرز برخورد با کودکان و نوجوانان، از مهم ترین عوامل بروز بزهکاری کودکان و نوجوانان در سطح خانواده عنوان شده است.<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۰</sup> محمود مهدوی، ص 131 الی 142

<sup>۱۱</sup> محمود اشراقی، محمد حسین یزدانی، ص 132

<sup>۱۲</sup> فرهود گل محمدی، "نگاهی بر نقش حفظ و تقویت ارزش ها در جوانان در پیش گیری از وقوع جرم"، پیش گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم،

از دیگر سو عدم ورود به مدرسه و همچنین ترک تحصیل را از آسیب زا ترین عوامل خطری در ارتباط با مدارس دانست. بنا به اعلام معاون وزیر آموزش و پرورش کشور، تنها دو ماه پس از آغاز سال تحصیلی 1387-1388 یکصد و پانزده هزار کودک پس از ثبت نام در مقطع ابتدایی در سراسر کشور ترک تحصیل کردند.<sup>13</sup>

فقر، شرایط نامطلوب خانوادگی، استعمال مواد مخدر، حاملگی زودرس، خودکشی، همکاری با باندهای بزهکاری، روش های آموزشی و تربیتی غلط مدارس، فعالیت جنسی زودرس، اختلالات رفتاری و ضعف اعتماد به نفس، افزایش خشونت و زورگویی در مدارس، از عوامل موثر بر این مسئله به شمار می روند.<sup>14</sup>

همچنین عوامل خطری که در گروه های همسالان ممکن است وجود داشته باشد، عبارت از ارتباط با همسالان منحرف و بزهکار و طرد شدن کودک از گروه همسالان سالم و بهنجار و عدم قدرت و مهارت کودک در برقراری ارتباط صحیح با همسالان خود در مدرسه و در محیط های خانوادگی می باشد.<sup>15</sup>

به جهت بعد روحی و روانی انسان، که رکن اصلی در پرورش و تربیت وی است، می توان به عوامل خطری چون، خودپنداری منفی، ضعف اعتماد به نفس، ضعف عزت نفس، عدم احساس خود اثرمندی، عدم قدرت تصمیم گیری، نقص منبع کنترل و ناتوانی در تاخیر امیال، خطاهای شناختی و ناتوانی در مقابله با فشار، نقص مهارت های ارتباطی و نقص در مهارت پیوند با دیگران، اختلال هویت و خصوصیات منفی خلقی و عاطفی اشاره کرد.<sup>16</sup>

این مجموعه عوامل خطر که بروز و استمرار رفتارهای بزهکارانه را در کودکان و نوجوانان مساعد می کنند، تاثیر متقابل بر یکدیگر دارند. به عبارت دیگر در مسیر رشد و جامعه پذیری کودک، تمامی این عوامل خطر مختلف، سهیم هستند و همدیگر را کامل می کنند. به همین جهت در پیش گیری باید با رویکردی چند جانبه و نسبت به همه ی این عوامل، برنامه ریزی و اقدامات مشترک لازم توسط والدین طفل و اولیای مدرسه صورت گیرد.

### شناسایی کودکان مشکل دار

خانواده پس از آنکه با اقدام مشترک با مدرسه در زمینه شناسایی نیاز های کودکان در صدد برآوردن این نیازها برآمد و آگاهی لازم را در زمینه شناخت آسیب ها و خطرات تهدید کننده اطفال و عوامل موثر در بزهکار شدن طفل خود را از مجرای مشارکت با مدرسه بدست آورد، میبایست گام موثر دیگری در این مشارکت بردارد و اولیای مدرسه را با ارائه اطلاعات صادقانه در شناسایی مشکلات فرزند خود یاری رساند. این مهم امری است که جز از طریق مشارکت صادقانه اولیای طفل با مسئولین مدرسه و یا مشاوران معرفی شده از سوی ایشان محقق نخواهد شد.

<sup>13</sup> محمود مهدوی، ص 281

<sup>14</sup> همان، ص 320 و 321

<sup>15</sup> علی حسین نجفی ابرندآبادی، مباحثی در علوم جنایی، ص 1283 و محمد علی حاجی ده آبادی، تقریرات درس جرم شناسی، ص 31 و 32

<sup>16</sup> محمود مهدوی، ص 142 الی 162

نتایج تحقیقات مختلف نشان داده که مراقبین کودکی که از نظر روانی مشکل دارند و هم چنین سوءاستفاده جسمی کودکان در اوایل دوران کودکی، منجر به نافرمانی آتی کودکان می شود. همچنین کودکانی که از سوی والدین، مورد بدرفتاری و خشونت واقع می شوند، نسبت به سایر گروه های همسال غیر آزرده، خشن تر بوده، کمبودها و ضعف هایی را در مهارت های اجتماعی و در توانایی هایشان جهت تکامل درست و موثر با گروه همسال، نشان می دهند که اغلب منجر به طرد از گروه همسال می شوند.<sup>۱۷</sup>

کودکانی که در مدرسه رفتارهای خشونت آمیز، انحرافی و بزهکارانه از خود بروز می دهند، به شدت در معرض ارتکاب جرایم شدید و خشونت آمیز در آینده می باشند. فلذا با همکاری و مشارکت صادقانه والدین با اولیای مدرسه و ارائه اطلاعات صحیح و دقیق، امکان شناسایی خطر گرایش به بزهکاری و انجام اقدامات پیشگیرانه این اطفال از طریق مدارس نیز وجود دارد.<sup>۱۸</sup>

از آنجایی که خشونت علیه کودکان تاثیر بسیار زیادی بر بزهکاری آینده آنها دارد، شناسایی این کودکان باید از اولویت های همکاری خانه و مدرسه باشد. خشونت علیه کودکان شکل های زیادی داشته و به دلایل مختلفی همچون ترس، گزارش و ثبت نشدن مخفی می ماند. همچنین کودکان خصوصا دختران در خشونت های جنسی ممکن است به سبب فرهنگ و شرایط خاص خانوادگی، بترسند که اگر دیگران از خشونت وی مطلع شوند، او را سرزنش کرده و یا به جهت سرافکنندگی شان وی را طرد کنند. خشونت تاثیرات فراوانی همچون مشکلات سلامت جسمانی و روانی، مشکل در برقراری ارتباط با دیگران، مشکلات یادگیری، مشکل در بیان احساسات و احتمال بیشتر قرار گرفتن در معرض خطراتی همچون استفاده از مواد مخدر و یا رابطه جنسی در سنین کودکی، می تواند روی کودکان داشته باشد. خشونت در محیط های خانه، مدرسه، محل کار و در جامعه اتفاق می افتد.<sup>۱۹</sup> به طوری که ما در همین سال در چند مدرسه شهر تهران شاهد خشونت جنسی اولیای مدارس علیه دانش آموزان پسر آن مدرسه بودیم! خانواده ها و مدارس باید در اولین گام اقدام به شناسایی کودکانی که در معرض خشونت هستند، نموده و پس از آن ضمن حمایت های ویژه از این کودکان، روش های متوقف کردن انواع خشونت علیه آنان را به کار گیرند. به جهت شناسایی این اطفال، مدارس باید ضرورت گزارش نمودن این وقایع را به خانواده ها و دانش آموزان، آموزش داده و از خطرات پنهان نمودن این مسائل آگاه نمود.

بنابراین خانواده ها و مدارس در اقدامات مشارکتی خود به جهت پیش گیری از بزهکاری اطفال، باید شناسایی و پیش گیری از بزهکاری کودکان دارای حالت خطرناک و بزهکار و سابقه دار و اصلاح و درمان آنها را در اولویت قرار دهند.<sup>۲۰</sup>

### شیوه های حل مشکلات کودکان بزهکار از طریق مشارکت خانواده و مدرسه

<sup>۱۷</sup> فریده طه، ص 194

<sup>۱۸</sup> محمد مهدوی، ص 280 و 281

<sup>۱۹</sup> الیزابت کواست، سوفی لاز، مطالعه دبیر کل سازمان ملل در زمینه خشونت علیه کودکان، ترجمه سوریک صانعی، تهران، یونیسف، 1387، ص 11 و 12

<sup>۲۰</sup> هلن کلیو آر، "روان شناسی پیش گیری از ارتکاب جرم"، ترجمه: اکبر استرکی و تورج ریحانی، دانش انتظامی، بهار 1380، شماره 8، ص 199

با توجه به مطالب گفته شده، و اهمیت آموزش و پرورش و مدرسه در فرآیند رشد کودکان، اهمیت نقش مدرسه در اقدامات پیشگیرانه رشدمدار و همکاری این نهاد با نهاد خانواده پر واضح است. خانواده و مدرسه می توانند با تعامل با یکدیگر در خصوص مسائل آموزشی، رفتاری و انضباطی دانش آموزان، با برنامه ریزی و هماهنگی با هم، نسبت به حل مشکلات اطفال در زمینه های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی و تحصیلی مشارکت نمایند. آموزش والدین، آموزش حقوق به اطفال و خانواده ها و استفاده از خانواده های صالح جهت حمایت از اطفال خاص از دیگر زمینه های مشارکت خانواده ها و مدارس در حل مشکلات می باشد.

### حل مشکلات فرهنگی و تربیتی و اجتماعی

از جمله نقش های مهم خانواده، نقش کنترلی است که به دلیل وابستگی همه جانبه کودک به خانواده اهمیت فراوان دارد. اگر نقش کنترلی خانواده دچار اختلال شود و نتواند کنترل درست و مناسبی بر کودکان و نوجوانان اعمال کند، خطر گرایش به بزهکاری در کودکان و نوجوانان افزایش می یابد. مطابق نظریه پیوند افتراقی، بزهکاری به طور عمده از راه کنش متقابل اجتماعی با گروه های صمیمی و نزدیک صورت می پذیرد. ساترلند معتقد است کودکان بیشتر رفتارهای تبهکارانه را در درون گروه های نخستین، به ویژه دوستان و همسالان فرا می گیرند. فلذا اگر خانواده بر ارتباط کودک و نوجوان با دوستان و همسالان نظارت و کنترل داشته باشد و از ارتباط آنها با دوستان منحرف جلوگیری کند، احتمال بزهکاری کودک و نوجوان کمتر می شود.<sup>21</sup> خانواده همچنین می تواند با تقویت رابطه محبت آمیز میان والدین و کودک و تقویت اعتقادات دینی و تشویق و تنبیه کودک، نقش کنترلی و نظارتی خویش را به خوبی ایفا نماید.<sup>22</sup>

خانواده ها به جهت بافت مستحکمی که دارند، در ساخت رفتار اجتماعی کودکان از طریق الگوبرداری و هویت سازی آنان می توانند در جلوگیری از وقوع بزهکاری موثر باشند. در اغلب خانواده هایی که دارای محیط گرم و صمیمی و با محبت و منسجم هستند، انتقال فرهنگ و هویت اجتماعی به سادگی صورت می پذیرد.<sup>23</sup>

رفتار کودک، کارکرد ویژه سازمان شخصیت اوست و ساختار شخصیت از طریق فرآیند یادگیری و تعامل با محیط های اولیه جامعه پذیری به تکامل می رسد. جامعه پذیری فرآیندی است که کودک از طریق آن، عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط را فراگرفته و قابلیت ها و توانایی لازم را برای حضور موثر و مثبت در زندگی اجتماعی و پذیرش نقش مطلوب اجتماعی تقویت می کند. کودکان از طریق دو نهاد خانه و مدرسه فرآیند جامعه پذیری را طی می کنند و اختلال در این فرآیند، کودک را در معرض خطر انحراف از معیارهای پذیرفته شده اجتماعی و بزهکاری قرار می دهد.<sup>24</sup>

<sup>21</sup> محمود مهدوی، نیکزاد اختری، ص 97

<sup>22</sup> جهت مطالعات بیشتر رجوع شود به محمود مهدوی، ص 242 الی 258 و محمود مهدوی و نیکزاد اختری، ص 95 الی 114

<sup>23</sup> خدابخش کتولی نژاد، ص 291 الی 294

<sup>24</sup> محمود مهدوی، ص 223 الی 226

کودک حیاتی ترین دوران رشد خود را در محیط خانواده آغاز می کند، این نهاد، مسئولیت اصلی را در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن نیازهای بنیادین آنها برعهده دارد. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، مسئول حفظ نسل، اجتماعی کردن فرزندان، و فراهم کردن محیط پر مهر و محبت برای کودکان است و نقش بسیار موثری در اجتماعی کردن افراد و پیش گیری از بزهکاری دارد. به وسیله خانواده می توان از طریق مداخله در فرآیند رشد کودکان و بهبود شرایط زندگی آنان و سالم ساختن محیط خانواده سعی در کاهش عوامل خطرزا و تقویت عوامل حمایتی و در نتیجه پیش گیری از جرم نمود. بنابراین این نهاد، در فرآیند پیش گیری رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان اهمیت بسیاری داشته و نقش مهمی را می تواند در رفع عوامل خطر و انجام مداخلات حمایتی داشته باشد. به همین جهت نیز در مقدمه پیمان نامه حقوق کودک (1989) و همچنین رهنمودهای ریاض (1990) به لزوم حمایت و مساعدت کافی دولت ها به خانواده، در جهت رفع نیازها و تامین رفاه خانواده و مراقبت و حمایت از کودکان و تضمین رفاه جسمی و روانی آنان تاکید شده است.

در این راستا افزایش سیاست گسترش برنامه های پیش گیری اجتماعی با مشارکت خانواده ها و مدارس، راه حلی مناسب برای پیش گیری از بزهکاری کودکان می باشد. اقداماتی نظیر آموزش همگانی، اشتغال زایی، برنامه ریزی دقیق و منسجم برای اوقات فراغت کودکان، گسترش برنامه ها و فعالیت های تفریحی و ورزشی و هنری، ارتقای باورهای دینی و... با هدف حفظ ثبات زندگی خانوادگی و تامین و پرورش و رشد هماهنگ و همه جانبه استعدادهای کودکان از جمله این برنامه ها می باشد.<sup>25</sup>

لزوم حمایت از خانواده ها و انجام مداخلات حمایتی در درون خانواده ها مبتنی بر این منطق است که جامعه نباید منتظر بماند تا کودکان در محیط نامساعد خانوادگی دچار انواع آسیب های جسمی و روانی گردیده و تبدیل به فردی نابهنجار شوند و پس از آن از طریق امکانات پلیسی وقضایی و با صرف هزینه های بسیار، به دنبال تعقیب و مجازات آنان باشد. به همین جهت هرچه اقدامات حمایتی در مراحل زندگی کودک، زودتر آغاز شوند، از تاثیر بیشتری برخوردار خواهند بود.<sup>26</sup> توانمند سازی و آموزش مهارت های فرزندپروری والدین، برطرف کردن آسیب سوءرفتار مزمن والدین، حفظ شخصیت فرزندان و پرورش حس اعتماد به نفس در آنان و نظارت والدین از دیگر عوامل و راهکارهای حمایتی در محیط خانواده است که انجام آن به عهده ی نهاد آموزشی است.

از سوی دیگر مدرسه نیز محیطی است که می تواند گرفتاری ها و مشکلات خانوادگی کودک را جبران نماید. نقش مدارس در پیش گیری رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، بسیار پررنگ و مهم می باشد. بسیاری از اختلافات رفتاری در کودکی و نوجوانی نشان دهنده بروز بزهکاری در آینده است.<sup>27</sup>

در این راستا و به جهت جلوگیری از بزهکاری اطفال در آینده گسترش صلاحیت ها و مهارت های اجتماعی در طفل توسط خانواده ها و مدارس امری ضروری است. مراد از توسعه و گسترش مهارت های اجتماعی در طفل، همزیستی و همکاری با دیگران و کنترل رفتار با دیگران می باشد. در این اقدامات باید تلاش شود تا کودک هیجانات و احساسات خود را شناسایی

<sup>25</sup> مریم عیاجی، "پیش گیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان"، دادگستری، تابستان 1383، شماره 47، ص 58

<sup>26</sup> محمود مهدوی، ص 396 و 397

<sup>27</sup> همان ص 280 و 281

کرده، با دیگران روابط سازنده و مثبت داشته باشد و اختلافات را حل و فصل نماید. برای این کار ضروری است از یک طرف برای والدین دوره های آموزش روش های القای مهارت ها و توانایی اجتماعی توسط مدارس برگزار شود و از طرف دیگر کودکان نیز در قالب تشکیل جلسات و پخش فیلم و تئاتر، نقش های اجتماعی را به تدریج فرا بگیرند. البته باید توجه داشته باشیم که این اقدامات باید متنوع باشد و اهداف ذیل را دنبال کند:

- آموزش قدرت گفتگو و بیان احساسات
- درمان ترس و اضطراب طفل و آموزش مقابله با آن
- آموزش چگونگی مدیریت امیال پرخاشگرانه و کنترل خشم
- آموزش شیوه خوب زندگی کردن و معاشرت با دیگران
- آموزش احترام به حقوق دیگران و عذرخواهی کردن

برای تاثیر بهتر این اقدامات می توان با برگزاری کارگاه ها به سرپرستی چند مددکار و روان شناس و مربیان اطفال، اهداف مورد نظر را در قالب نمایشنامه به اطفال القا نمود.<sup>28</sup>

البته نباید فراموش کنیم که اجرای این برنامه و موفقیت آمیز بودن آن، نیاز به تربیت و آموزش مربیان، جرم شناسان، روان شناسان، روان پزشکان و متخصصان علوم تربیتی داریم.

از طرف دیگر کودکان و نوجوانان در فرآیند رشد اجتماعی خود، هم زمان با تقویت حس هویت فردی و استقلال، به دلیل احساس برابری و مشابهت، جذب گروه همسالان خود می شوند. به همین دلیل در این دوره، نفوذ گروه همسالان بر وی افزایش یافته و تاثیرپذیری کودک از آنها به شدت افزایش می یابد. فلذا استفاده از این نفوذ همسالان بر یکدیگر، در برنامه های حمایتی پیش گیری رشدمدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان حائز اهمیت بسیار می باشد. برخورداری از دوستان سالم و دارای رفتارهای مناسب، حمایت از جانب دوستان صمیمی سازگار با اجتماع، ایجاد باشگاه ها و نهادهایی برای فعالیت های کودکان و نوجوانان، ایجاد تفریحات سالم برای کودک و همسالان وی، و ... از عوامل حمایتی در این زمینه می باشد.

همچنین تحقیقات نشان می دهد عضویت نوجوانان در گروه های خیابانی جوانان، بروز رفتارهای بزهکارانه را تشدید می کند.<sup>29</sup> ارتباط کودک با گروه همسالان غیر قابل اجتناب است. خصوصا که این گروه ها در جامعه پذیر کردن کودکان و نوجوانان نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند و از دیدگاه جامعه شناسی پس از خانه و مدرسه، به عنوان سومین عامل جامعه پذیری کودکان تلقی می شود. گروه همسالان جامعه پذیری خود را از دو طریق آموزش ارزش ها و هنجارها و الگوهای رفتاری و همچنین وارد کردن آنها در نظام شخصیتی نوجوانان ایفا می کند.<sup>30</sup>

---

<sup>28</sup> علی حسین نجفی ابرنآبادی، مباحثی در علوم جنایی، ص 1292

<sup>29</sup> شهلا معظمی، ص 256

<sup>30</sup> محمود مهدوی، ص 229 و 230

به جهت اهمیت این مسئله در کشورهای مختلف برنامه های حمایتی بسیاری، مبتنی بر گروه همسالان طراحی و اجرا شده است. برنامه کمک درسی همسالان، برنامه میانجی گری همسالان، برنامه حمایتی مساعدت همسالان، برنامه شبکه حمایتی همسالان از مهم ترین این برنامه هاست که بررسی آنها در قالب این تحقیق نمی گنجد.<sup>31</sup>

کودکان و نوجوانان داده هایی را از محیط های پیرامون خود، اعم از خانواده و مدرسه و ... دریافت می کنند و براساس خصوصیات خلقی و شخصیتی و میزان توانایی و مهارت های فردی و اجتماعی خویش، این داده ها را پردازش می نمایند. حاصل این پردازش، شناخت، و حاصل شناخت، رفتار کودک و نوجوان است. فراهم نمودن شرایط مطلوب رشد در ابعاد جسمی و روانی برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر اساس اقدامات حمایت کننده از جنبه ی فردی است. روان شناسان برخورداری از تعادل شخصیتی، یعنی فرآیند رشد سالم انسان که توانایی های اجتماعی، تحصیلی و شغلی را در وی ایجاد می نماید، و قابلیت انعطاف و برگشت پذیری، یعنی توانایی اصلاح رفتار نابهنجار و بازگشت به وضعیت مثبت را از مهم ترین ضرورت های کمک و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر می دانند. جنسیت زن، هوش بالا، رفتار سازگار و منطبق با جامعه، خود کنترلی و کنترل عصبانیت، آینده نگری و تستسترون پایین، مهارت برقراری ارتباط، مهارت تصمیم گیری، مهارت مقاومت و امتناع، مهارت حل مسئله و مهارت اظهار وجود از عوامل حمایتی فردی می باشد، که کودک را در برابر پذیرش رفتارهای مجرمانه آتی، تقویت می کند.<sup>32</sup> بنابراین خانواده ها و مدارس با در نظر گرفتن این مسائل باید اقدامات لازم را با انجام دهند.

خانواده ها و مدارس همچنین می توانند در اقدامات و برنامه های پیش گیری اجتماع محور، با هدف کاهش و از بین بردن علل جرم زا در محیط های اجتماعی و اعمال اصلاحات و تغییرات در محیط هایی که جرم زا هستند، با یکدیگر مشارکت نمایند. ایجاد درآمدزایی و اشتغال زایی در محله ها، تاسیس مکان های تفریحی و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی در مناطق محروم از طریق جلب حمایت ها و کمک های مردمی و... از جمله این اقدامات می تواند باشد.<sup>33</sup>

### حل مشکلات اقتصادی

تردیدی در خصوص اهمیت نقش مدرسه در آموزش مهارت های زندگی، توسعه دانش و معلومات و آگاهی و تقویت حس مسئولیت کودکان و همینطور پیش گیری از بزهکاری، وجود ندارد. به همین جهت قانون اساسی کشور ما و همینطور اسناد بین المللی، حق دسترسی به امکانات مناسب آموزشی به طور رایگان را برای تمامی کودکان به رسمیت شناخته اند. البته در کشور ما امروزه ثبت نام در مدارس غیرانتفاعی که آموزش در آنها از سطح کیفی بالا تری برخوردار است رایگان نیست و در مقابل سطح علمی برخی از مدارس دولتی نیز قابل قبول نمی باشد.

<sup>31</sup> برای مطالعه بیشتر رجوع شود به همان، ص 494 الی 502

<sup>32</sup> محمود مهدوی، ص 370 الی 382 و فریده طه، ص 199

<sup>33</sup> مریم عباچی، "پیش گیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان"، ص 59 و 60

به نظر میرسد که مدرسه بتواند با برقراری تعامل دوسویه با والدین اطفال در تشخیص کودکانی که خانواده های آنها از سطح مالی مناسبی برخوردار نیستند را شناسایی کرده و با معرفی آنها به اداره آموزش و پرورش منطقه نسبت به ارائه تسهیلات مالی جهت فراهم آوردن حداقل امکانات زندگی و تهیه اسباب و لوازم تحصیل اقدام نماید. خانواده ها و مدارس همچنین می توانند با ایجاد زمینه اشتغال و کاهش میزان بزهکاری و توزیع عادلانه فرصت ها می توانند در پیش گیری از بزهکاری کودکان فعالیت نمایند.<sup>34</sup>

### حل مشکلات روحی و روانی

ایجاد محیطی سالم و آرام در خانواده، تفاهم پدر و مادر، وجود رابطه صمیمانه و دوستی و تفاهم میان والدین و فرزندان، موجب آسایش خاطر کودک در خانواده می شود و محیط خانه را به پناهگاهی امن برای وی تبدیل می کند که در آن احساس امنیت دارد و باعث می شود در پی دوستان ناباب که در نتیجه فقدان روابط صمیمانه در خانواده است، نباشد.<sup>35</sup>

در این راستا ساترلند بیان می دارد که هرچه روابط اعضای خانواده، از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر است. نظریه هیرشی نیز حاکی از آن است که کاهش دل بستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده، روی میزان بزهکاری تاثیر مثبت دارد. همچنین مطالعات نشان می دهد که بزهکاری نوجوانان با خانواده گسسته شده ارتباط دارد. غالباً میزان بزهکاری در خانواده های گسسته، نسبتاً بالاتر از خانواده های سالم است.<sup>36</sup> پژوهشگران معتقدند کلید رشد سالم، هماهنگی مناسب بین خلق و خوی کودک و محیط خانواده است. وقتی والدین کودک دشوار برای او زندگی خانوادگی شاد و باثباتی را فراهم آورند، رفتارهای منفی و مشکل زای کودک به موازات افزایش سن کاهش می یابد.<sup>37</sup>

همچنین رابطه صمیمانه میان دانش آموزان و معلمان و اولیای مدارس، توجه به شخصیت، استعدادها و توانایی های کودکان، افزایش آگاهی دانش آموزان، عدم تبعیض میان شاگردان، افزایش برنامه های علمی، تفریحی، ورزشی و استفاده از امکانات آموزشی مناسب، ایجاد انگیزه تحصیلی، شناسایی افراد ناهنجار و بزهکار و بررسی علل بزهکاری آنان توأم با هدایت و کنترل مستمر، به کارگیری مناسب اصل تشویق و تنبیه، استفاده از کادر مجرب معلمان، مددکاران اجتماعی و مشاوران در مدارس، مشارکت دادن دانش آموزان و ایجاد حس مسئولیت در آنان و اصلاح روش های تدریس و ارزیابی، موجب کاهش زمینه های

<sup>34</sup> محمود اشراقی، محمدحسین یزدانی، ص 139

<sup>35</sup> نفیسه متولی زاده نایینی، ص 131 و 132

<sup>36</sup> سیده رویا بارسلطان، ماه رخ بریری، محمد قاسمی، "تاثیر عملکرد خانواده در بروز جرم و پیش گیری از آن"، پیش گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم، ص 55

<sup>37</sup> آدریس آزموده، "نقش خانواده در پیش گیری از وقوع جرم"، پیش گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم، ص 22

بزهکاری در محیط مدرسه میگردد.<sup>38</sup> یاری گرفتن از مشاوران متخصص در رفع مشکلات کودکان ونوجوانان نیز از دیگر موارد همکاری میان خانواده ها و مدارس در پیش گیری از بزهکاری ایشان می باشد.<sup>39</sup>

بنابراین خانواده و مدرسه در زمینه ی حل مشکلات روحی و روانی کودک نقش بسزایی دارند. مسلماً فراهم آوردن محیطی آرام که اطفال در آن رشد کرده و تحصیل نمایند با همکاری و مشارکت خانواده و مدرسه موثرتر و راهگشاستر خواهد بود. همچنین اگر کودکی در محیط خانه با مشکل روحی مواجه شده باشد اولیای طفل و یا احدی از ایشان میتوانند مسئولین مدرسه را با اطلاع رسانی دقیق و به هنگام و صادقانه در امر درمان و برطرف سازی این مشکل یاری نمایند و تاثیر برقراری مشارکت عمیق میان اولیای طفل و مربیان مدرسه قبل از بروز چنین مشکلاتی روحی بر اطفال بر جلوگیری از آن بر کسی پوشیده نیست. چرا که اگر طفلی به واسطه وجود مشکل روحی از حساسیت بالاتری نسبت به سایر همکلاسی های خود برخوردار بوده و یا از آن رنج ببرد، ممکن است واکنشی غیر معمول به رفتاری عادی از سوی مربی و یا همکلاسی های خود دست بزند. این در حالی است که اگر والدین به هنگام مربیان مدرسه را از وجود چنین مشکلی در کودک خود با خبر سازند، میتوان از ورود صدمات روحی شدیدی به طفل خودداری کرد. به عنوان مثال چنانچه کودکی مبتلا به بیماری خاصی همچون هموفیلی باشد و اتفاقاً مربی در کلاس بدون توجه به وجود این بیماری در یکی از شاگردان اعلام نماید که "افراد مبتلا به هموفیلی معمولاً تا سن 25 سالگی بیشتر عمر نمیکند"؛ این مساله میتواند ضربه روحی شدیدی به کودک مبتلا وارد سازد و حتی به لحاظ روانی تاثیر منفی بر روند بهبودی و درمان آن کودک بگذارد.

### آموزش حقوق به اطفال

آموزش حقوق به اطفال توسط خانواده و مدارس، به منظور پیش گیری از بزهکاری امری ضروری است که در برخی کشورها نیز برنامه آموزش حقوق از طریق آموزش و استفاده از الگوهای آموزشی همچون ایفای نقش، یا حضور در زندان یا دادگاه ها، پیاده سازی شده است. از این طریق می توان بر میزان هنجارپذیری دانش آموزان از طریق ایجاد حس تعهد به هنجارهای اجتماعی و تقویت احساس مسئولیت آنها نسبت به خود و همسالان و اولیای خانه و مدرسه و توجه به ارزش های اخلاقی افزود. در این برنامه ها باید تلاش شود تا با تقویت حس تعلق دانش آموزان به جامعه و قبول این مساله که خود، عضوی از جامعه و تشکیل دهنده ی آن هستند، حقوق را به زبان ساده به دانش آموزان آموزش داده و احترام به قانون را در ایشان پایه گذاری نمایند.<sup>40</sup>

می توان تاثیر این آموزش ها را از طریق بازدیدهای علمی و میدانی و اردویی در پیش گیری از وقوع جرم بالا برد. بدین صورت که مثلاً در یک اردوی یک روزه به آموزش آشنایی با عوارض بزهکاری های اجتماعی پرداخت، یا با بردن کودکان و خصوصاً نوجوانان به مراکز بازپروری و بازآموزی همچون کانون های اصلاح و تربیت، باعث آشنایی ایشان با این مراکز شده و

<sup>38</sup> هوشنگ شامبیاتی، ص 276 الی 282 و نفیسه متولی زاده نایینی، ص 132

<sup>39</sup> فرهود گل محمدی، ص 324

<sup>40</sup> شهلا معظمی، ص 254

نگرش آنها را نسبت به جرم و بزهکاری تغییر داد. همچنین می توان با ایجاد برنامه های دسته جمعی و گروهی برای اردو و بازدید از ندامتگاه ها و نشستن پای صحبت خلاف کارها، موجبات عبرت گیری هرچه بیشتر و رفع بیکاری کودکان و نوجوانان را فراهم آورد.<sup>41</sup>

### حل مشکلات تحصیلی کودک

پر واضح است که وظیفه اصلی ارتقای سطح تحصیلی دانش آموزان به عهده مدارس می باشد، لیکن بر کسی پوشیده نیست که بی توجهی و غفلت والدین و عدم پیگیری ایشان نقش به سزایی در افت تحصیلی کودکان دارد. این امری بین المللی است تا جایی که در بیانیه اهداف ملی آموزش و پرورش آمریکا در سال 2000 ترغیب و تشویق والدین به پیگیری وضعیت تحصیلی کودکان از جمله مهم ترین اصول برشمرده شده است. گام اول را در مشارکت خانه و مدرسه در حل مشکلات تحصیلی باید مدرسه بردارد. مدرسه باید والدین را از افت تحصیلی باخبر سازد و حساسیت آنها را نسبت به عواقب منفی ناشی از آن برانگیزد. مدرسه همچنین نباید والدین را در افت تحصیلی کودکان مقصر جلوه دهد، چرا که در این صورت والدین خود را کنار کشیده و امکان رسیدن به تفاهم و اقدام مشترک از بین می رود. مدرسه باید به والدین بیاموزد که در خانه محیط شبه آموزشی برای کودکان فراهم کنند، نه آنکه با خروج از مدرسه کودکان کاملاً از بحث تحصیلی فارغ شوند تا صبح روز بعد که به مدرسه می روند. همچنین مدرسه باید به والدین بیاموزد و بقبولاند که به فرزندان خود اعتماد کنند و وظایفی را به عهده ایشان بسپارند و از این طریق موجب ارتقای سطح اعتماد به نفس کودکان خود شوند. توجه با این نکته اساسی بسیار حائز اهمیت است که پس از ورود به مدرسه کودکان بیشتر وقت مفید خود را در مدرسه می گذرانند و در حقیقت مرکز ثقل آموزشی و تربیتی آنان از خانه به مدرسه تغییر می کند. در این میان والدین خود باید پس از درک این مطلب، کودکان را به حرف شنوی از مربیان و مسئولان مدرسه تشویق و ترغیب کنند تا رفته رفته توازنی میان نقش خانه و مدرسه حاکم شده و مشارکتی متوازن شکل گیرد.<sup>42</sup>

### استفاده از خانواده های صالح جهت حمایت از اطفال خاص

یکی دیگر از زمینه های مشارکت خانواده و مدرسه در حل مشکلات، استفاده از خانواده های صالح به منظور حمایت و نگهداری از کودکان خاص و دارای حالت خطرناک، با هدف ارائه خدمات و کنترل و نظارت شدید برای اصلاح و تربیت کودکان به ویژه کودکانی که از نعمت والدین محروم هستند یا والدین آنها قادر یا مایل به مراقبت از آنها نمی باشند و همچنین

<sup>41</sup> محمود رجبی پور، «بزهکاری دانش آموزان و امکان پیش گیری اجتماعی رشدمدار از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش»، دانش انتظامی، تابستان 1387، شماره 39، ص 144 و 145

<sup>42</sup> - محمود مهدوی، ص 471 و 472 و 493

کودکانی که والدین آنها از هم طلاق گرفته اند و یا معتاد هستند.<sup>43</sup> در این راستا مدرسه باید کودکانی که شرایط خاص دارند را شناسایی نموده و از طریق روش های قانونی در اختیار خانواده های صلاحیت دار قرار دهد.

حتی در صورتی که سرپرستی این کودکان از سوی خانواده ای جایگزین میسر نبود، دولت ها و مدارس باید خدمات اساسی نسبت به این کودکان انجام دهند. آموزش و پرورش خوب این کودکان و آموزش مهارت به آنها از طریق افراد متخصص و صلاحیت دار می تواند مانع از بزهکاری آینده آنان شود.<sup>44</sup>

### نتیجه گیری

خانواده و مدرسه نقش مهم و تعیین کننده در رشد و شکل دهی شخصیت کودکان داشته و با توجه به تحقیقات به عمل آمده در این پژوهش همکاری و مشارکت این دو نهاد به صورت هدفمند و سازمان یافته و با شناخت کافی از مسائل تعلیم و تربیت، نقش و حقوق متقابل و با بهره مندی از ظرفیت ها و توان یکدیگر، می تواند زمینه ساز تربیت صحیح کودکان و پیش گیری از بزهکاری آنان در آینده باشد. چرا که بهترین زمان برای پیش گیری از بزهکاری دوران طفولیت است که شخصیت طفل هنوز شکل نگرفته و حتی اگر شکل گرفته باشد امکان تغییر آن وجود دارد. بنابراین خانواده و مدرسه می توانند با مشارکت و تعامل هدفمند و برنامه ریزی شده با یکدیگر، گامی اساسی در جهت پیش گیری از بزهکاری اطفال بردارند.

### پیشنهادها

به منظور تسهیل برقراری مشارکت خانه و مدرسه در امر پیش گیری از بزهکاری اطفال و تسهیل شناسایی کودکان در معرض خطر و حل مشکلات آنان، لازم است مسئولین وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت ارتباطات و فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به اجرایی نمودن طرح منسجم و ضابطه مند در شکل دهی این مشارکت مبادرت ورزند. در همین راستا با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق پیرامون تجربیات سایر کشورها و اسناد بین المللی سازمان ملل متحد طرحی جامع و متناسب با فرهنگ و امکانات و نیازها و هنجارهای جامعه ایرانی در زمینه پیش گیری از بزهکاری اطفال با رویکرد تقویت هرچه بیشتر مشارکت تنگاتنگ والدین طفل و اولیای مدرسه و به طور کلی نظام آموزشی کشور، در راستای ارتقای سطح کیفی آموزش با رویکرد نهادینه سازی اصول و قواعد حاکم بر بحث پیش گیری از بزهکاری اطفال و در صورت لزوم شناسایی، اصلاح، درمان و اقدام مشترک خانه و مدرسه در مورد عوامل خطرناک و زمینه های بزه گرایی و بزهکاری ارائه می شود. بستر اصلی در این طرح پیشنهادی، بستری مجازی است.

### منابع

<sup>43</sup> - شهلا معظمی، ص 235

<sup>44</sup> نگه داری، تربیت و پشتیبانی از کودک در اسلام، دانشگاه الازهر با همکاری صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، چاپ اول، زمستان

1387، ص 96

مهردوی، مهدی، پیش‌گیری از جرم، تهران، سمت، چاپ اول، 1390

خسروشاهی، قدرت‌اله؛ حیدر منصوری، پیش‌گیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده‌مدار، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز 89

خدابخش‌کتولی‌نژاد، "نقش خانواده در پیش‌گیری از جرم"، پیش‌گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390.

معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، چاپ ششم، 1391

نجفی‌ابرنده‌آبادی، علی‌حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج‌دانش، چاپ دوم، 1390

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی، تقریرات درس جرم‌شناسی، ص 32 و نفیسه متولی‌زاده‌نایینی، ص 13

مهردی‌نیک‌خو، گلبرگ‌زندگی، بررسی جنبه‌های گوناگون رشد و تربیت کودک، چاپ دوم، قم، موسسه بوستان‌کتاب، 1387، ص 43

آزموده، ادیسی، "نقش خانواده در پیش‌گیری از وقوع جرم"، پیش‌گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، جلد دوم، 1390

فرهود گل‌محمدی، "نگاهی بر نقش حفظ و تقویت ارزش‌ها در جوانان در پیش‌گیری از وقوع جرم"، پیش‌گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم، ص 322

الیزابت کواست، سوفی‌لاز، مطالعه دبیر کل سازمان ملل در زمینه خشونت علیه کودکان، ترجمه سوریک صانعی، تهران، یونیسف، 1387، ص 11 و 12

هلن کلیو آر، "روان‌شناسی پیش‌گیری از ارتکاب جرم"، ترجمه: اکبر استرکی و تورج ریحانی، دانش انتظامی، بهار 1380، شماره 8، ص 199-مریم عباچی، "پیش‌گیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان"، دادگستری، تابستان 1383، شماره 47، ص 58

سیده رویا بارسلطان، ماه رخ بریری، محمد قاسمی، "تاثیر عملکرد خانواده در بروز جرم و پیش‌گیری از آن"، پیش‌گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390، جلد دوم، ص 55

ادیسی‌آزموده، "نقش خانواده در پیش‌گیری از وقوع جرم"، پیش‌گیری رشدمدار، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا، چاپ اول، تهران، نشر حدیث کوثر، 1390.

دوره 1، شماره 1، زمستان 1394، صفحات 63-79

محمود رجیبی پور، «بزهکاری دانش آموزان و امکان پیش گیری اجتماعی رشدمدار از دیدگاه کارشناسان آموزش و پرورش»، دانش انتظامی، تابستان 1387، شماره 39، ص 144 و 145

نگه داری، تربیت و پشتیبانی از کودک در اسلام، دانشگاه الازهر با همکاری صندوق کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، چاپ اول، زمستان 1387، ص 96

کلیو آر، هلن، "روان شناسی پیش گیری از ارتکاب جرم"، ترجمه: اکبر استرکی و تورج ریحانی، دانش انتظامی، شماره 8، بهار 1380

حاجی ده آبادی، محمدعلی، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد دانشکده آموزش های مجازی دانشگاه قم، 1390

عباچی، مریم، "پیش گیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان"، دادگستری، شماره 47، تابستان 1383